



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۸/۰۸

اسحق نگارگر

این یادداشت را من در هفتم آگست ۲۰۱۵ یعنی چار سال پیش نوشته بودم که اینک باز تقدیم شد.

نگارگر ۷ آگست ۲۰۱۹ برمنگهم

در این زمستان بحران سیاسی کشور آیا ممکن است آبی سرد که رقابت دیگران بر افغانها می ریزد آنان را از خواب زمستانی شان بیدار کند؟

امسال باز هم سرار جمندم برای من کتابی تحفه داده است. در کتابی که دوسال پیش برایم داد نوشته بود: "اگرچه در خانه ما غیر کتاب های تو برای چیزی دیگر جای نیست ولی چون کتاب یگانه تحفه است که ترا خوش میسازد من باز برایت کتاب تحفه دادم." قیمتی ترین و مهمترین کتاب های من همانهاست که او برایم تحفه داده است. اما کتاب امسال الکترونیک اسکه در کندل من است و هیچ جای اضافی را اشغال نمیکند. معمولاً کتاب های الکترونیک ارزان میباشد اما این یکی را او بیست پوند و هشتاد و پنج پنس خریده است که به هیچ وجه ارزان نیست. کتاب زیر عنوان (اسلام، تیل، و جیوپولتیک - آسیای میانه بعد از یازدهم سپتمبر) است این کتاب را نزده متخصص از کشورهای مختلف جهان نوشته اند و یکی از متخصصان آقای نجیب لفرایی دانشمند افغان مقیم نیوزیلند میباشد. میدانیم که در قرن نژده و اوایل قرن بیست سر نوشت افغانستان در گرو دوابر قدرت آن روزگار یعنی برتانیه و روسیه تزاری بود که آنرا گریت گیم یا بازی بزرگ میخواندند. اکنون در همین منطقه یک بازی بزرگ دیگر آغاز شده است. این بار بازی بر سر افغانستان نیست اما افغانستان سخت درگیر آن است. آنچه امروز من در این یادداشت می نویسم محصول مطالعه همین کتاب است. بدبختانه این بار بازی بسیار مغلط است و بازی کنان نیز بالترتیب امریکا، روسیه، چین، هند، ترکیه، پاکستان، ایران و همه کشور های آسیای میانه یا مرکزی و شرق میانه است و این بار بازی بر سر اسلام، تیل و منابع انرژی، تروریسم و مواد مخدر میباشد. بازی چه وقت و چه طور آغاز شد. پس از تجاوز بسیار احمقانه اتحادشوروی سابق بر افغانستان که یکی از آخرین قدرت نمایی های او بود برای امریکا و متحدینش فرصت پیدا شد که شوروی را در مرداب جنگ افغانستان غرق و عملیه رشکستگی سیاسی و اقتصادی اش را تسریع نمایند. جنگ افغانستان مایه آن گردید که اتحاد شوروی و متحدانش جنگ سرد را ببازند و از نظر اقتصادی نیز ورشکست شوند. بازیگران عمده این صحنه امریکا و متحدینش و پاکستان بودند. پاکستان که خود به نام اسلام تشکیل شده و بدون اسلام کدام هویت ملی ندارد میخواست که شوروی را با بنیادگرایی اسلامی در هم کوبد اما افغانستان سابقه تاریخی و ملی نیز داشت و پاکستان همین هویت تاریخی و ملی افغانستان را باید از میان می برد که بُرد. وقتی روس ها رفتند و دولت لرزان نجیب الله باقی ماند و اتحاد شوروی نیز از میان رفت و در آسیای مرکزی دولت های مستقل به وجود آمد که هویت های اسلامی و ملی داشتند. روسیه ملتفت این مسأله گردید که پاکستان میخواد از طریق تقویت جنبش های افراطی و اسلامی در آسیای مرکزی نفوذ کند و نفوذش در آنجا برای امنیت روسیه که یک کتله بزرگ مسلمان

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولی

دارد خطر ایجاد می کند فوراً با برهان الدین ربانی که حزیش عمدتاً از تاجیکان افغانستان ساخته شده بود وارد مذاکره شد و برای او حالی کرد که با اسلام ممکن نیست که او بر سر قدرت بماند بنابراین وقتش است که به سوی ملت گرای تاجک رجوع کند که ربانی حساسیت موقعیت خود را درک کرد و پیشنهاد روسها را پذیرفت. در قدم دوم روس ها مناسبات او را با دولت تاجکستان ترمیم کرد و در ربانی جبهه اسلامی تاجکستان را با دولت غلام علی رحمانوف آشتی داد و مهاجرین تاجک را به کشور شان فرستاد. رهبران مجاهدین که پاکستان همیشه در میان شان تخم نفاق افشاند بود و در پاکستان نتوانسته بودند که یک قیادت واحد به وجود بیاورند در افغانستان نیز نتوانستند خود را از حوزه نفوذ پاکستان بیرون آرند و در نتیجه خانه جنگی های بی شمار خانه مردم خود را خراب کردند؛ پاکستان قطعه طالبان را به میدان افگند و طالبان را بر سرنوشت مردم افغانستان مسلط ساخت. پاکستان میخواست به وسیله امارت اسلامی طالبان بنیاد گرای اسلامی را به کشورهای آسیای مرکزی صادر نماید. بدین ترتیب بود که افغانستان در زمان طالبان لانه امن این لادن، القاعده و شبکه های گوناگون اسلامگرایان افراطی کشور های مختلف گردید و حادثه دردناک یازدهم سپتمبر جهان را تکان داد و از همین نقطه بود که بازی بزرگ دوم آغاز شد.

روسیه و هند که هر دو اقلیت قابل توجه مسلمان داشتند نگران وضع افغانستان شدند. پاکستان با وضعی که به وجود آمده بود هم می توانست در کشمیر به خاریغل هند بدل شود و هم با سقوط دولت ربانی بنیاد گرای اسلامی را در آسیای مرکزی نیز ببرد بنابراین روس و هند هر دو باید دولت ربانی را حمایت میکردند. آی. اس. آی در یک مورد به اصطلاح خام پورته کردوان اینکه بنیادگرایان او یغور را که میخواستند از چین آزادی بگیرند نیز در افغانستان زیر تربیت گرفت یعنی با دوست خود نیز خیانت ورزید و مایه نگرانی چین را نیز فراهم کرد که اتفاقاً این یکی نیز اقلیت مسلمانش خیلی زیاد است.

پس از یازده سپتمبر که امریکا راه خود را در آسیای مرکزی باز کرد روس و چین را نیز وارد معرکه ساخت و آنان دیدند که منابع سرشار آسیای میانه به دست امریکا می افتد. چین دالر فراوان دارد و قدرت خریدش خیلی بیشتر از امریکا است فوراً وارد بازار شد و بر گاز و هایدروکاربن ترکمنستان و روسیه هر دو سینه افگند. ایران نیز میخواست در آسیای میانه نفوذ کند و وسیله نفوذ او نیز زبان فارسی و دین است اما در هر دو مورد پای ایران لنگ است زیرا که اکثریت آسیای میانه ترک نژادان مسلمان و سنی مذهب استند که نمیخواهند شیعه گری و موضوع ولایت فقیه در کشور های شان نفوذ کند. ترکیه از راه تقویت پان اسلامیس و پان ترکیس هر دو می تواند در آسیای مرکزی نفوذ کند و امریکا و غرب هم از نفوذ ترکیه در آنجا استقبال می کنند زیرا که رژیمش مبتنی بر دموکراسی و انتخابات است اما اینها همه نگران دو مشکل در افغانستان استند.

مشکل نخست همان تروریسم است که یک نظام طالبانی میتواند سیاست پاکستان را دستی برتر بدهد و افغانستان را یک بار دیگر لانه تروریسم بین المللی القاعده، داعش و دیگران بسازد. مشکل دوم مخدر و اقتصاد مبتنی بر قاچاق است که هر دو شرق و غرب جهان را نگران ساخته است. این بود مطالب عمده این کتاب بسیار با ارزش و در یک یادداشت دیگر من بر درس های عبرتی بحث خواهم کرد که ما افغانها باید از این وضع بگیریم و بر بحران سیاست و رهبری و در عین زمان مشکل مواد مخدر به هر قیمتی که ممکن است غلبه نماییم. پس یار زنده صحبت باقی تا صحبت دیگر همه دوستان را به خدای بزرگ می سپارم.

هفتم اگست 2015 میلادی بر منکهم نگارگر